

امروز شما

فروردین
 شاید امروز پیدا کردن راهی که می‌خواهید در پیش بگیرید کار دشواری به نظر برسد. شاید نیروی قدرتمند شما را وادار کند که از سرعت خود کاسته و انرژی خود را به صورت منطقی تری مورد استفاده قرار دهید.

اردیبهشت
 درست همان موقعی که فکر می‌کنید نقشه‌هایتان خیلی خوب و منطقی هستند و دارند به خوبی پیش می‌روند سر و کله یک نفر پیدا خواهد شد که این حال خوبی‌تان را از بین برده و اوضاع را تغییر دهد.

خرداد
 امروز شما به شدت احساس محدودیت می‌کنید. شاید این احساسات به این دلیل باشد که برخی جزئیات مهم که پیش‌ازین نادیده گرفته بودید به شما یادآوری شده‌اند و باید آنها را مورد رسیدگی قرار دهید.

تیر
 امروز سعی کنید خودتان را به خاطر چیزهای بیهوده نگران نکنید. به جزئیات توجه و رسیدگی کنید و تمام تلاش‌تان را به کار بگیرید تا کارهایتان را با موفقیت به انجام برسانید.

مرداد
 جنبه‌هایی از زندگی‌تان که برای مدتی نادیده گرفته بودید امروز یقه‌تان را خواهند گرفت و مجبور خواهید بود وقت زیادی را صرف آنها کنید. سعی کنید تمام مسئولیت‌هایتان را مورد توجه و رسیدگی قرار دهید و از زیر کارهایی که باید انجام دهید شانه خالی نکنید.

شهریور
 در حال حاضر ارتباط برقرار کردن با دیگران برای شما خیلی راحت‌تر از همیشه شده است. تحت شرایط فعلی ممکن است وسوسه شوید با دوستان و اقوامی که برای مدتی نسبتاً طولانی ارتباط خود را با آنها قطع کرده بودید تماس بگیرید.

مهر
 شما امروز فکر می‌کنید که نظم در کارهایتان بهترین راه برای پیش بردن یک روز خوب و بدون دردسر خواهد بود. تمام حواستان را روی برنامه روزانه‌تان متمرکز کنید. اگر انتخاب‌هایتان درست باشند خواهید توانست حتی چند کار مختلف را به طور همزمان پیش ببرید.

آبان
 تصمیم‌گیری در مورد چیزهای مهم و یا حتی بی‌اهمیت برای شما کار چندان ساده‌ای نیست، اما امروز این کار شما حتی از همیشه سخت‌تر هم خواهد بود. از طرفی دلان می‌خواهد ثبات همیشگی زندگی خود را حفظ کنید و از طرف دیگر هم حس ماجراجویی در وجودتان فعال شده است.

آذر
 امروز شما زیاد سر حال نیستید و از صبح که بیدار می‌شوید حال و حوصله بیرون آمدن از خانه و شروع برنامه روزانه‌تان را ندارید.

دی
 طی چهار هفته آینده اوضاع مدام رو به تغییر خواهد بود و خبر خوبی که برایتان داریم این است که این تغییرات در جهت مطلوب و به نفع شما خواهند بود.

بهمن
 نظم و حس وظیفه‌شناسی این اواخر در زندگی شما نقش مهمی را ایفا کرده‌اند اما امروز این طور به نظر می‌رسد که انگار یک نفر ترمز دستی را کشیده و مانع پیش رفتن نقشه‌ها و برنامه‌های شما شده است.

اسفند
 امروز شما خیلی قبراق و سر حال هستید و خوشبختانه از حالت ناراحتی و افسردگی خود فاصله گرفته‌اید.

گفت‌وگو با سام قریبانی، بازیگر نقش سهراب سریال «ایراندخت»: دارم تاریخ را زندگی می‌کنم

کنش دارد نه فقط واکنش. مشکل من با نقش‌های مثبت این است که معمولاً منتظر می‌ماند تا بلایی به سرشان بیاید بعد دست به کاری بزنند، اما سهراب اقدام می‌کند و منفعل نیست. البته قهرمان منفعل هم برای خودش گونه‌ای است؛ اما ترجیح می‌دهم نقش قهرمان مؤثر را بازی کنم؛ کسی که اعتقادی دارد و پای آن می‌ایستد و مبارزه می‌کند. کسی که عاشق است و برای عشقش می‌جنگد. مثلاً سهراب اهل جنگ و درگیری نیست، اما مقابل ظلم و ستم آرام نمی‌گیرد. البته او در تمام سریال حتی یک بار هم اسلحه به دست نمی‌گیرد، در حالی که تا وسط میدان جنگ هم می‌رود.

فکر می‌کنید سهراب گرفتار بی‌رحمی و ناهمربانی روزگار شده است؟
 سهراب و جواهر به همدیگر علاقه دارند؛ اما شرایط باعث دلگیری و دلشکستگی این دو شده است. اگر از دید جواهر به اتفاقات نگاه کنید، حتماً به او حق خواهید داد. به نظرم جواهر به یک خانم هاویشام در رمان آرزوهای بزرگ بدل شده است. نکته جذاب در قصه ایراندخت این است که شخصیت‌ها، زنجیروار به هم متصل هستند و هر اتفاق بازتاب و انعکاس‌های زیادی دارد.

به نظرم قصه آدم‌ها و روابط بین آنها همیشه جذاب‌ترین قصه‌ها بوده و در این سریال این روابط و قصه‌ها به زیبایی در هم تنیده شده است. امیدوارم مخاطبی که «ستارخان» را دیده، فکر نکند ایراندخت فقط چند قسمت از آن بیشتر است. در سریال ایراندخت ارتباط افراد را می‌بینیم و یک داستان بسیار پرکشش اصل ماجراست.

نگران هستید پخش ستارخان بر میزان مخاطبان سریال ایراندخت تأثیر داشته باشد؟
 معمولاً وقتی سریالی پخش می‌شود از دل آن یک تله‌فیلم استخراج می‌کنند یا یک مینی سریال. مثلاً از دل سریال هزارستان، فیلم «کمیته مجازات» تدوین شد یا سریال میرزا کوچک‌خان پخش شد و بعد فیلمی به نام «تفنگ‌های سحرگاه» را از دل آن بیرون آوردند، اما اینجا برعکس اتفاق افتاده و حتی برای این که سریال ستارخان مستقل شود، صحنه‌هایی فیلمبرداری شد که در فیلمنامه اولیه نبود.

صحنه‌های پیری سهراب از آن جمله است؟
 بله. در سریال ایراندخت سهراب را فقط در یک برهه پنج‌ساله می‌بینیم.

سهراب همسن شماست؟
 بله.

پس برای ایفای این نقش با چالش‌های زیادی روبه‌رو نبودید؟
 مهم‌ترین چالش من گرمی بود که تقریباً نود دقیقه طول می‌کشید. گرمی دوره پیری حتی از این هم بیشتر زمان می‌گرفت. موهای سرم را کاملاً تراشیدم تا بشود به سرعت موهای سفید دوران پیری یا دوران جوانی را برای هر سکانس عوض کرد.

با این حال لازم است به سه چیز مهم که مرا در ایفای این نقش یاری کرده‌اند اشاره کنم؛ اول آقای ورزی که خطر کرد و نقش اصلی سریال را به کسی داد که نقش تاریخی بازی نکرده بود و بعد دوستانه در بخش لباس و گرمی، چون من بازیگر حرفه‌ای نیستم که تکنیکی بازی کنم و مثلاً همزمان چند پروژه را با هم پیش ببرم. من حسی باز می‌کنم و لباس و گرمی به من کمک می‌کنند که به نقش برسم.

من بازیگری غریزی هستم. البته حساب شده عمل می‌کنم؛ اما کاملاً به حس مبتنی هستم. بنابراین وقتی از جلوی میز گرمی بلند می‌شدم و لباس‌های سهراب را می‌پوشیدم، حتی شکل راه رفتنم ناخودآگاه عوض می‌شد. پالتو، ساعت جیبی، عینک گرد، موها و خطوط روی چهره‌ام باعث می‌شدند احساس کنم واقعا سهراب هستم.

زندگی در دل تاریخ چه احساسی دارد؟
 خیلی جذاب است. تماشای سریال‌های تاریخی را همیشه دوست داشتم، اما هیچ وقت دوست نداشتم بازیگر سریال‌های تاریخی باشم چون بعضی از آنها بیشتر از پنج سال طول می‌کشند و این زمان از حوصله من واقعا خارج است. خوشبختانه این پروژه از آنهایی نیست که زمان سالانه داشته باشد و تجربه چندان است. دوره مشروطه هم از زمان خودمان خیلی دور نیست و تصاویر و اطلاعاتی درباره آن دوران موجود است. اساساً به قرن ۱۹ میلادی در ایران و جهان علاقه خاصی دارم. مدل لباس پوشیدن، رفتار و حرکات آدم‌ها، معماری، مناسبات و ارتباطات و جریان‌های فکری و خیلی چیزهای دیگر در این قرن برای من جذابیت دارد. کت و شلوار، عصا، کراوات و حتی خودروها طوری بود که فرقی نمی‌کرد شما در پاریس هستید یا نیویورک یا تهران.

قصه ندارید سریال بسازید؟
 چرا اتفاقاً خیلی دوست دارم. در «عالیجناب» به این نتیجه رسیدم که ساخت سریال کاری جذاب‌تر است. امروزه اگر ساخت یک فیلم سینمایی بیشتر از ۲۵ روز یا یک ماه طول بکشد دیگر به صرفه نیست بنابراین هنوز کار شروع نشده، تمام می‌شود؛ اما در سریال فرصت بیشتری برای کار کردن هست و لذت بیشتری دارد.

قرار بود یک سریال پلیسی معمايي و یک سریال پلیسی جاسوسی بسازم که نشد و فصل دوم سریال عالیجناب به هم خاطر غیرحرفه‌ای بودن تهیه‌کننده به نتیجه نرسید. بنابراین امیدوارم سال ۹۷ بتوانم یک سریال بسازم یا لاقال برای فیلم پروانه نمایش بگیرم.

فرزند فرامرز قریبانی بودن برای سام قریبانی این حسن را داشت که خیلی زود از همان دوران کودکی، حضور در مقابل ایراندخت فراهم شود و نقشی مانند سهراب. سام قریبانی بعد از سال‌ها که به ایران بازگشت در کنار فیلمسازی و بازیگری در سینما، دو سریال تلویزیونی هم بازی کرد. هم در سریال راهایی و هم در سریال تنهایی لیلان نقش منفی به این بازیگر جوان سپرده شد. او این روزها مشغول بازی در سریال «ایراندخت» به کارگردانی محمدرضا ورزی است. قریبانی در نقش سهراب در کنار جواهر (اندیشه فولادوند) شخصیت محوری سریال ورزی محسوب می‌شود. درباره این نقش و اولین حضورش در یک نقش مثبت و تاریخی، گفت‌وگویی با او داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

آقای قریبانی بعد از دو سریال و دو نقش منفی، چطور شد به سهراب رسیدید؟
 در شش سال گذشته سه سریال بازی کرده‌ام و البته پیشنهادهایی هم دارم، ولی معمولاً قبول نمی‌کنم چون آدمی هستم که با احساس تصمیم می‌گیرم و البته کامل بودن فیلمنامه برایم خیلی مهم است. سریال‌هایی که به من پیشنهاد شده بود، فیلمنامه کاملی نداشتند. وقتی نقش سهراب پیشنهاد شد کمی توجه جلب شد؛ قبل از این اصلاً کار تاریخی انجام نداده و درباره‌اش بسیار کنجکاو بودم. از طرف دیگر کارگردانی از من خواسته بود نقش اصلی سریال را بازی کنم که در ساخت آثار تاریخی شهیر است. من زمانی که آمریکا بودم بعضی از کارهای ایشان از جمله تبریز در مه و سال‌های مشروطه را دیده بودم. نکته بعدی این که سریال ایراندخت سیناپس (خلاصه فیلمنامه) کاملی داشت و بیشتر از ده قسمت از فیلمنامه هم نوشته شده بود.

به نظر می‌رسد کاملاً حساب شده پیشنهاد آقای ورزی را قبول کردید و چندان هم حسی برخورد نمی‌کنید؟
 همه اینها که گفتم هیچ کدام دلیل اصلی من برای پذیرفتن نقش نبود. چیزی که مرا جذب کرد، اتفاقی بود که در جلسه اول گفت‌وگویی من و آقای ورزی درباره این سریال رخ داد. مثل همه جلسات، به دفتر آقای ورزی رفته که نیم یا یک ساعتی با هم صحبت کنیم. آقای ورزی ساعت ۴ بعد از ظهر تعریف کردن قصه را آغاز و چنان دقیق و با جزئیات تمام آن را برای من تعریف کرد که به خودم آمدم و دیدم ساعت ۹ شب است! محمدرضا ورزی خیلی خوب قصه تعریف می‌کند و من همان‌جا گفتم این قصه را هستم!

تمام این پنج ساعت به تعریف کردن قصه گذشت؟
 بله و من مدام می‌پرسیدم خوب... خوب... بعدش چه شد! وقتی قصه‌ای اینقدر شما را جذب می‌کند که بخواهید بدانید در پایانش چه اتفاقی برای قهرمان‌ها رخ می‌دهد، یعنی گیراست. در شرایطی که قصه، معضل اصلی فیلمنامه‌های ماست. اگر یک سریال داستان‌گویی داشته باشد، یعنی بخش مهمی از کار انجام شده است.

شما در نقش‌های منفی ببینیم. خودتان از این در نقش مثبت راضی هستید؟
 بعد بازیگری را کنار گذاشتم، از ایران رفته و نقش‌های منفی به من پیشنهاد شد حتی در کسی است که یک نقش مثبت به من نقش مثبتی کنار نمی‌آید چون کنشگری دوست دارم. معمولاً درام قصه‌ها را رقم می‌زنند و معمولاً نقش‌های مثبت

داشتم عادت می‌کردم که تغییر ایجاد شده و حضور من مدتی بازی کردم و وقتی برگشتم، به یکباره تئاتر. آقای ورزی اولین پیشنهاد کرد. البته با هر فاعل بودن نقش را شخصیت‌های منفی مثبت



۳۱ اردیبهشت روز ملی اهدای عضو گرامی باد



گلف بازی در کنار آتش‌فشان فعال



باوجود هشدارها و دستور به ترک محل از سوی مسئولان در ایالت هاوایی آمریکا به سبب فعال شدن آتش‌فشان کیلاویا به نظر می‌رسد که اوضاع انظر این بازیکنان گلف آن‌قدرها هم خطرناک نیست. به گزارش جام جم آنلاین، مجموعه عکس‌های جالبی از جزیره (بیگ) آیلند، در هاوایی منتشر شده که در آن بازیکنان گلف را نشان می‌دهد که در آرامش گلف بازی می‌کنند و پشت سر آنها دود غلیظ و سیاه بزرگ آتش‌فشان به چشم می‌خورد. در حال حاضر انفجار آتش‌فشان کیلاویا باعث نابودی کامل خانه‌ها شده و باعث گشته تا بسیاری از مردم خانه‌های خود را خالی کنند و این موضوع بخش گردشگری در هاوایی را تهدید می‌کند. روز سه‌شنبه ستون‌های خاکستر آتش‌فشانی